

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۵، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۹۲ - ۷۱

انسان‌شناسی ماهی‌گیری: مطالعه‌ای مردم‌نگارانه در فرهنگ مردمان ماهی‌گیر در شهرستان ساری

ابوعلی ودادهیر*

نسرین سیدنژاد**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۵

چکیده

در این مقاله فرهنگ مردمان ماهی‌گیر شهرستان ساری بررسی شده است. این مطالعه در پی آن است تا در خلال بررسی فرهنگ صیادی، تأثیر عنصر دریا را بر زندگی صیادان و خانواده‌هایشان از بعد اجتماعی و فرهنگی بیازماید. برای این منظور، اهداف پژوهش به روابط و مناسبات اجتماعی میان ماهی‌گیران، وظایف تفکیک‌شده کارکنان در یک صید با پره و بررسی کنشگران اجتماعی جامعه مورد مطالعه معطوف شده است. در این مطالعه، جامعه صیادان در فاصله زمانی مهر ۱۳۹۱ تا فروردین سال ۱۳۹۲ مورد مطالعه قرار گرفته و از روش‌های مردم‌نگاری از جمله مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق و گروه‌های متمرکز برای کسب شواهد و اطلاعات و روش‌های تحلیل کیفی از جمله تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. ماهی‌گیران نوار ساحلی در شهرستان ساری، اعضای تعاونی‌های ماهی‌گیری و اداره کل شیلات استان مازندران و شهرستان ساری مشارکت‌کنندگان اصلی این مطالعه را تشکیل می‌دهند. این مقاله مناسبات و روابط اجتماعی و شغلی را در میان صیادان مورد مطالعه قرار می‌دهد و به بررسی این مسئله می‌پردازد که تخصص و مهارت‌های مدیر پره، به چه صورت او را در رابطه خاص با سایر ماهی‌گیران قرار می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شخص لُثمان به علت دانش انحصاری و آمرانه خود در زمینه بافت تور و تعیین عمق و جهت ریختن پره در دریا و تشخیص طوفانی بودن دریا برای اقدام به صید در روزهای خاص، از جایگاه خاصی در میان سایر کنشگران ماهی‌گیری ساحلی برخوردار است که او را در جایگاه مقتدرانه‌ای قرار می‌دهد.

کلید واژگان: آبی، دریای خزر، صیادی (ماهی‌گیری) ساحلی، انسان‌شناسی بوم‌شناسی. انسان‌شناسی زیست‌محیطی، انسان‌شناسی ماهی‌گیری.

vedadha@ut.ac.ir

nasrin.seyednejad@gmail.com

* دانشیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

تلاش بشر در طول تاریخ پیوسته بر بهره‌برداری از عناصر طبیعت برای برآورد نیازهای خود معطوف بوده است. نیاز به گردآوری و تهیه خوراک و برقراری نظامی برای تولید، توزیع و مصرف غذا برای ادامه بقا از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود که روش‌ها و مواد مختلفی را به این منظور پیش روی بشر قرار داده است، می‌توان از گردآوری میوه‌های درختان، دانه‌ها و شکار نام برد تا زمانی که بشر گردآورنده خوراک به تولید آن از طریق کشاورزی پرداخت. قبل از یکجانشینی و تلاش برای تولید بیشتر غذا، در بخش شکار علاوه بر شکار حیوانات در جنگل، استفاده از منابعی مانند رودخانه‌ها و دریاها و اتکا به آبزیان برای امرامعاش را نیز در این مقوله قرار می‌گیرد تا جایی که می‌توان از جوامع ماهی‌گیری نام برد که بر ساحل متکی هستند. بحث درباره یک اجتماع ماهی‌گیر با خرده‌فرهنگ خاص خود و یا شیوه‌های خاص اندیشیدن و زیستن، موضوع محوری انسان‌شناسی ماهی‌گیری است. این زیرشاخه از انسان‌شناسی افزون بر اینکه به مطالعات باستان‌شناسی، انسان‌شناسی زیستی یا موضوعات فرعی در انسان‌شناسی اجتماعی مربوط می‌شود، مقوله مهم شیوه‌های خاص انسان‌ها برای تطابق با گذران زندگی و تهیه خوراک در محیط ساحلی را نیز در برمی‌گیرد (آچسون، ۱۹۸۱).

از این منظر، دریای خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان از ابعاد گوناگون می‌تواند مورد پژوهش در رشته‌های مختلف قرار گیرد. بحث گردشگری طبیعی^۱ و نقش دریا در جذب گردشگر، نقش گردشگران در اقتصاد و فرهنگ منطقه، تأثیر آنها در تغییر شکل ریخت‌شناسی محیط یکی از نگرش‌های اصلی مطرح‌شده در ارتباط با دریای خزر است. آلودگی دریا از طریق کارخانه‌های مجاور به ویژه صنایع چوب و کاغذ و عملیات ناشی از استخراج و اکتشاف نفت بخش دیگری از پژوهش‌ها و مسائل را تشکیل می‌دهد. منابع آبی و ماهیان این دریا و نقش آنها در زندگی مردمان کرانه‌های ساحلی موضوع دیگری است که می‌تواند از زوایای گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد. می‌توان در بخش اقتصاد می‌توان بازار و درآمدها و رابطه ماهی‌گیران با بازار؛ در بخش اجتماعی نقش تعاونی‌های ماهی‌گیری و اتحادیه‌ها، گروه‌های ماهی‌گیری، مالکیت منابع آبی و نقش نهادها و گروه‌ها در کاهش ریسک و بی‌ثباتی و در بخش فرهنگی به روابط و مناسبات میان ماهی‌گیران، تجهیزات و فنون ماهی‌گیری و انسان‌شناسی فناوری، انسان‌شناسی غذا و تغذیه، مفهوم جنسیت و نقش زنان در زندگی و روابط میان ماهی‌گیران در محیط خانه و بیرون، وجود مناسک، آداب‌ورسوم، جشن و آیین‌ها در این رابطه اشاره کرد.

با اتکا بر بدنه دانش و پیشینه پژوهشی موجود در انسان‌شناسی ساحلی و انسان‌شناسی ماهی‌گیری در جوامع اروپایی و آمریکایی، در این مقاله تلاش شده است تا

^۱ ecotourism

مردم‌نگاری ماهی‌گیری در شهرستان ساری با هدف مطالعه رابطه ماهی‌گیران با دریا، روابط و مناسبات اجتماعی میان ماهی‌گیران، وظایف تفکیک‌شده کارکنان در صید با پره و بررسی کنشگران اجتماعی اجتماع مورد مطالعه و تقسیم‌کار در میان آنها صورت پذیرد. پیشینه پژوهش در این مقاله، مطالعات صورت گرفته در زمینه مطالعات انسان‌شناسی ساحلی با موضوعاتی نظیر شیوه‌های مدیریت یا استراتژی‌های مواجهه، روابط کارکنان با یکدیگر، نقش همسران ماهی‌گیر در کنترل شرایط زندگی صیادان در زمان غیاب آنها و نقش تعاونی‌های ماهی‌گیری در مدیریت مسائل صیادان اختصاص دارد. این مطالعه در نوع خود منحصر به فرد بوده و تنها پژوهش موجود بوم‌شناسی ساحلی و دریایی خزر در استان گیلان صورت گرفته است که به علت تمرکز بر بعد جامعه‌شناختی و آماری، ارتباط اندکی با زندگی روزمره مردم و با بخش انسان‌شناسی ماهی‌گیری و مطالعات مردم‌نگارانه و کیفی دارد (موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۶۱). تمرکز بر خرده‌فرهنگ ماهی‌گیران وابسته به منابع آبی دریای خزر و انجام کندوکاوی انسان‌شناسانه در میان مردمان ماهیگیر انگیزه اصلی ما در انجام پژوهش حاضر بود. مسائلی نظیر آشنایی با میدان تحقیق و محیط‌زیست ساحلی، گویش مردمان و به ویژه صیادان به عنوان اطلاع‌رسان‌ها در شهرستان ساری و نزدیکی جغرافیایی به شرکت‌های تعاونی پره راهنمای پژوهشگر اصلی این مطالعه در انتخاب مکان و نحوه ورود به میدان اجرای طرح بوده است.

انسان‌شناسی بوم‌شناختی و زیست‌محیطی

انسان‌شناسی بوم‌شناختی مطالعه روابط میان پویایی جمعیت، سازمان اجتماعی، فرهنگ گروه‌های انسانی و محیط‌هایی که آنها در آن زندگی می‌کنند است. این رشته مطالعه تطبیقی و تحلیل جمعیت‌های خاص از بعد هم‌زمانی و در زمانی را در برمی‌گیرد. در بسیاری از موقعیت‌ها، نظام‌های تولید، پیوندهای مهمی را میان پویایی‌شناسی جمعیت، سازمان اجتماعی، فرهنگ و محیط برقرار می‌کنند. بر اساس تعریف، انسان‌شناسی بوم‌شناختی یک بررسی مادی از گستره فعالیت بشر را فراهم می‌کند و بنابراین یک همبستگی به دیگر رویکردهای مادی در علوم زیستی و اجتماعی را با خود حمل می‌کند (ارلاو، ۱۹۸۰: ۲۳۵).

کانراد کُتاک^۱ معتقد است که انسان‌شناسی بوم‌شناختی در دهه ۱۹۶۰ به خاطر کارکردگرایی، نظریه نظام‌ها و تمرکز بر بازخورد منفی شناخته شد. انسان‌شناسان نقش اعمال و باورهای فرهنگی در توانمند ساختن جمعیت‌های انسانی برای به کمال رساندن تطابق‌هایشان با محیط‌هایشان و حفظ اکوسیستم‌های بومی و محلی کم‌ارزش را بررسی کردند. تفاوت‌ها میان انسان‌شناسی بوم‌شناختی قدیم و جدید شامل جهت‌گیری خط‌مشی و ارزش، کاربرد، واحد تحلیلی، مقیاس و روش می‌شود. مطالعات در انسان‌شناسی بوم‌شناختی قدیم اشاره می‌کند که بومیان کار معقولی برای مدیریت منابعشان و محافظت از

^۱ Conrad P. Kottak

اکوسیستم‌هایشان انجام دادند، اما آن مطالعات که بر هنجار نسبیت‌گرایی فرهنگی مبتنی بود، عموماً بر بی‌طرفی ارزشی معطوف بود. در مقابل انسان‌شناسی محیط‌شناختی یا بوم‌شناختی جدید، نظریه و تحلیل را با آگاهی سیاسی و موضوعات سیاست تلفیق می‌کند. موضوعاتی که توسط انسان‌شناسی بوم‌شناختی جدید مورد توجه قرار می‌گیرند از تقاطع نظام‌های جهانی، ملی، محلی و بومی برمی‌خیزند، در جهانی که نه فقط از برخورد الگوهای فرهنگی بلکه همچنین توسط حکومت‌های شکست‌خورده، جنگ‌های محلی، بی‌قانونی رو به افزایش ترسیم می‌شود (کتاک، ۱۹۹۹: ۲۵-۲۶).

چارچوب نظری

انسان‌شناسی ماهی‌گیری و انسان‌شناسی ساحلی برای اولین بار توسط جیمز آپسون^۱ (۱۹۸۱) معرفی شده است. آپسون تمرکز انسان‌شناسی ساحلی را بر سه محور می‌داند: حوزه ماهی‌گیری و شیلات مدرن، زندگی که در عرشه کشتی سپری می‌شود و تطابق‌های دریایی ماقبل تاریخ. او معتقد است بیشتر مطالعات در حوزه انسان‌شناسی ماهی‌گیری توسط انسان‌شناسانی صورت گرفته‌اند که صنعت ماهی‌گیری و آنچه در عرشه کشتی می‌گذرد را مطالعه کرده‌اند و نه مطالعه جوامع ماهی‌گیر که بر ساحل متکی هستند. افرادی که جوامع ماهی‌گیر را مورد مطالعه قرار می‌دهند به این دلیل دارای سهم بسزایی در این حوزه هستند که شیوه‌های به کار گرفته‌شده توسط بشر برای امرارمعاش از یک محیط بیگانه و بسیار خطرناک را مستند کرده‌اند (آپسون، ۱۹۸۱: ۲۷۶-۲۷۵). امروزه بدنه دانش و پیشینه پژوهشی چشمگیری در این زیرشاخه از انسان‌شناسی شکل گرفته است. انسان‌شناسی ماهی‌گیری و باستان‌شناسی ساحلی امروزه انجمن‌ها، برنامه‌های پژوهشی، نشریات، وبسایت‌ها و ... حرفه‌ای خود را دارد. در دانشگاه‌های معروف و در بخش‌های انسان‌شناسی دنیا از جمله مین^۲، راتگرز^۳، ایالتی می‌سی‌سی‌پی^۴، کالیفرنیا سانتا باربارا^۵، ای‌اند‌ام تگزاس^۶ در امریکا و در برخی از دانشگاه‌های اروپا از جمله دانشگاه کوئینز بلفاست^۷ واحدهای درسی و برنامه‌های پژوهشی در این حوزه ارائه می‌شود.

این حوزه مطالعاتی از انسان‌شناسی در کتابی با عنوان *فرهنگ‌های ساحلی: انسان‌شناسی ماهی‌گیری و سنت‌های صید نهنگ* توسط ون گینکل^۸ در سال ۲۰۰۷ معرفی و بازنگری شده است. همان‌طور که این کتاب توضیح می‌دهد، ماهی‌گیری صرفاً یک شغل نیست، بلکه یک شیوه زندگی نیز هست. این موضوع به عنوان یکی از بخش‌های مهم

^۱ James M. Acheson

^۲ The University of Maine

^۳ Rutgers University

^۴ Mississippi State University

^۵ University of California, Santa Barbara

^۶ Texas A&M University

^۷ Queens University Belfast

^۸ Van Ginkel

مشکلات صنعت ماهی‌گیری در نظر گرفته می‌شود و به نظر می‌رسد به همین دلیل باشد که این صنعت به سادگی توسط افرادی که هدف نابود کردن آن را دارند از بین می‌رود. در محیط خانه، اغلب به مردمان ماهی‌گیر با عنوان ”وحشی‌های (رام- نشدنی‌های) شریف“^۱، به سبکی اسطوره‌ای، جنبه آرمانی داده می‌شود. اما در واقعیت تلخ زندگی روزمره، این افراد معمولاً دون‌پایه هستند و به آنها انگِ افرادی با افکار قدیمی، در حال پسرقت و نامتمدن زده می‌شود. اما علی‌رغم جایگاه اجتماعی این شغل و تصویری که از آن وجود دارد، مردمان ماهی‌گیر از آن راضی هستند و از کاری که انجام می‌دهند کاملاً لذت می‌برند. این اثر تحلیل انسان‌شناسی و مردم‌نگاری را با هم ادغام کرده است و ابعاد فرهنگی ماهی‌گیری و صید نهنگ در اروپا و ایالات‌متحده آمریکا را توضیح می‌دهد. فصول این کتاب با موضوعات کلاسیک انسان‌شناسی مرتبط است عبارت از: سنت، مناسک، تابو، ایدئولوژی، هویت، نمادپردازی حیوانی و بررسی این مسئله که چگونه این موضوعات را با خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و فرهنگی به شیوه‌ای مثبت یا منفی ادغام کند (گینکل، ۲۰۰۷).

مقاله دیگر پژوهشی است که توسط هیتز لازروس^۲ در سال ۲۰۱۲ در مجله بررسی سالانه انسان‌شناسی با عنوان *تغییر: اجتماعات [ساکن] جزیره و تغییرات اقلیمی* به چاپ رسیده است. جزیره‌ها در میان اولین و نامساعدترین مناطقی هستند که تحت تأثیر تغییر جهانی آب و هوایی قرار می‌گیرند. افزایش سطح آب دریا، تغییر در نظام بارش و الگوی افزایش طوفان و فشار دماهای سطح دریا و هوا منابع جزیره را محدود کرده است. درحالی‌که سیاست‌های تغییر آب هوایی تصمیم‌گیری محلی را محدود کرده است. انسان‌شناسان به درک دانش جزیره، علل جهانی آسیب‌پذیری، درک خطر و پویایی که جزیره‌نشینان که به قابلیت تطابق‌پذیری و انعطاف‌پذیری سوق می‌دهد، کمک می‌کنند. پویایی در چارچوب قابلیت، تطابق‌پذیری و انعطاف‌پذیری شیوه‌های بومی، شناخت و کنش‌های سنتی را تنظیم می‌کند. شیوه‌های خاص فرهنگی برای درک خطرات و ارزیابی آسیب‌پذیری‌ها منجر می‌شوند و به شبکه‌های محلی و منطقه‌ای سازمان‌های منطقه‌ای علائق جزیره‌نشینان را در گردهمایی‌های بین‌المللی و اشکال امروزی مهاجرت نشان می‌دهند (لازروس، ۲۰۱۲).

در ایران مطالعات مربوط به انسان‌شناسی ماهی‌گیری و ماهی‌گیری ساحلی عملاً دوران طفولیت خود را سپری می‌کند و دانستنی‌های موجود درباره آن ناچیز است. تنها مطالعه نسبتاً مرتبط با این زیرشاخه از انسان‌شناسی، پژوهشی است با عنوان *مطالعه صید و صیادی در بندر انزلی*^۳ که در سال ۱۳۶۱ توسط موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفته است. این گزارش توصیفی از جنبه‌هایی زندگی اقتصادی- اجتماعی صید و صیادی در بندر انزلی است که به ویژگی‌ها و معضلات فعالیت صیادی و گروه اجتماعی صیادان پرداخته

^۱ Noble Savages

^۲ Heather Lazarus

است. هدف از اجرای این طرح کسب شناخت با نگرشی جامعه‌شناسانه از یک شیوه تولید و زندگی اجتماعی و فرهنگی وابسته به آن بوده است تا امکان دستیابی به راه‌حل‌های عملی را در جهت توسعه صنعت ماهی‌گیری و خودکفایی برای رسیدن به استقلال کشور به وجود آورد. در این گزارش پیشنهادهایی برای مدیریت مسائل عمومی، مسائل ویژه صیادان آزاد و شرکت‌های تعاونی پره، مسائل ویژه صیادان طرف قرارداد با شیلات ارائه شده است.

پرسش‌های پژوهش

به طور مشخص، این مطالعه مردم‌نگارانه در پی پاسخ به دو پرسش اساسی زیر بود:

۱) در خرده‌فرهنگ مردمان ماهی‌گیر، روابط و مناسبات اجتماعی در میان ماهی‌گیران به چه شکل تعریف شده است و هر یک از آنها را در چه جایگاهی نسبت به یکدیگر قرار می‌دهد؟

۲) وظایف تفکیک‌شده صیادان در یک صید با پره (ماهی‌گیری ساحلی)، تقسیم‌کار اجتماعی را چگونه در میان آنها مشخص می‌کند؟

روش پژوهش

در این مطالعه، با توجه به اهداف و ماهیت مطالعه، از میان رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی، رویکرد روش‌شناختی کیفی استفاده شده است. رویکرد کیفی به این علت مورد نظر است که برای توصیف فرهنگ مردمان ماهی‌گیر، فهم روابط میان آنها، بررسی مشکلات و ذهنیت این افراد درباره این شغل و میزان رضایت آنها، شواهد و داده‌های عددی و کمی کارآمد به نظر نمی‌رسند. رویکرد روش‌شناختی کیفی با استفاده از فنون مردم‌نگاری از جمله مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های عمیق این امکان را فراهم می‌کند تا با بررسی علت انتخاب این شغل، نحوه همکاری ماهی‌گیران و نقش هر یک از افراد در طول دوره شش ماهه صید، خطرات شغل و نحوه مقابله با آنها تصویر واضح و دقیقی از زندگی آنها ارائه دهد.

در این مقاله داده‌های دست اول که توسط پژوهشگری جمع‌آوری شده است که خود مسئول طرح مطالعه، گردآوری، تحلیل و گزارش داده‌ها است، این داده‌ها جدید هستند و پژوهشگر می‌تواند توضیح دهد که چرا و چگونه آنها را جمع‌آوری کرده است (بلیکی، ۲۰۱۰).

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی متعارف^۱ استفاده می‌شود. تحلیل محتوای کیفی متعارف عموماً در یک طرح مطالعه که هدف آن توصیف یک پدیده است مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهشگران از مقوله‌های از پیش پنداشته‌شده استفاده نمی‌کنند و به جای آن اجازه می‌دهند که مقوله‌ها و نام‌ها از داده‌ها جریان پیدا کنند. محققان توجه خود را کاملاً معطوف به داده می‌کنند تا اجازه دهند بینش‌های جدید

^۱ conventional content analysis

ظهور کنند. تحلیل داده‌ها با خواندن همه داده‌ها به صورت مکرر برای دست یافتن به یک "یک حس از کل"^۱، آغاز می‌شود مثل این‌که فردی یک رمان می‌خواند. پس از آن داده‌ها لغت به لغت خوانده می‌شوند و این برای بیرون کشیدن کدها با متمایز کردن واژه‌های دقیق از متن است که به نظر می‌رسد برای گرفتن افکار یا مفاهیم کلیدی باشد. سپس محقق با یادداشت از نخستین برداشت‌ها، افکار و تحلیل اولیه به متن نزدیک می‌شود. همان‌طور که این روند ادامه می‌یابد، عنوان برای کدها که بازتاب‌دهنده بیش از یک فکر کلیدی است، ظهور می‌کند. این عنوان‌ها اغلب مستقیماً از متن بیرون می‌آیند و به نمودار کدگذاری اولیه تبدیل می‌شوند. سپس کدها بر این اساس که چگونه کدهای متفاوت مرتبط و پیوند یافته هستند، در مقوله‌ها دسته‌بندی می‌شوند. این مقوله‌های در شرف تکوین برای سازمان‌دهی و گروه‌بندی کدها در خوشه‌های معنادار استفاده می‌شوند. در بهترین حالت تعداد خوشه‌ها بین ۱۰ تا ۱۵ عدد است (شانون^۲ و هسیه^۳، ۲۰۰۵: ۱۲۷۹-۱۲۸۰).

میدان پژوهش

در این مطالعه، میدان پژوهش و مشارکت‌کننده‌ها بر اساس سه نوع منبع مورد استفاده برای صید ماهی یعنی ماهیان استخوانی، ماهیان کیلکا و ماهیان خاویاری مشخص می‌شوند. شهرستان ساری واقع در کوهپایه‌های رشته‌کوه البرز دارای دو بخش کوهستانی و دشت است و در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۵ دقیقه و عرض ۳۶ درجه و ۴ دقیقه واقع شده است. جمعیت کل و نقاط شهری و روستایی شهرستان ساری بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن که در سال ۱۳۹۰ صورت گرفت، به ترتیب ۴۷۸۳۷۰، ۲۹۹۵۲۶ و ۱۷۸۸۴۴ نفر گزارش شده است. ساری از جمله مهم‌ترین شهرهای کرانه جنوبی دریای خزر است. دریای خزر به عنوان بزرگ‌ترین حوزه آبی داخل خشکی در مرز قاره اروپا-آسیا واقع شده و محصور بین پنج کشور ساحلی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان است. این پهنه آبی در طول ۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۵۱ دقیقه شرقی قرار گرفته و بزرگ‌ترین دریاچه جهان است. در قسمت جنوبی آن مرزهای سیاسی ایران قرار گرفته که از دهانه رود آستارا در غرب تا خلیج حسینقلی در شرق امتداد می‌یابد و از ۶۳۸۰ کیلومتر طول کرانه‌های آن، حدود ۹۹۲ کیلومتر از آستارا تا رود اترک متعلق به ایران است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۹). در این دریا نزدیک به حدود ۸۵۰ گونه جاندار آبی و بیش از ۵۰۰ گونه گیاه دریایی وجود دارد (باوند، ۱۳۸۰: ۲۱). این گونه‌ها به سه گروه عمده موجودات آب شیرین، آب شور و دریایی تعلق دارند. در این دریا ۸۷۱ گونه از بی‌مهرگان و ۳۰۵ گونه موجودات کفزی درشت و ۵۶۶ گونه کفزی ریز گزارش شده است (پورکاظمی، ۱۳۸۷).

¹ immersion

² Shannon

³ Hsieh

اداره کل شیلات استان مازندران در ۶ شهرستان این استان به فعالیت می‌پردازد که در این میان تنها دو شهرستان بابلسر و بهشهر هر سه منبع صید (ماهیان استخوانی، ماهیان کیلکا و ماهیان خاویاری) را در اختیار دارند. شرکت‌های تعاونی پره که به صید ماهیان استخوانی می‌پردازند، در ساری ۸ تعاونی پره هستند (قربان زاده و نظری، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۲). در این پژوهش در شرکت تعاونی پره شهید بهشتی قاجار خیل، محقق از هر کدام از کارکنان تعاونی که یک مسئولیت مشخص را بر عهده دارند به طور تصادفی به مصاحبه پرداخت. این افراد عبارت‌اند از رئیس تعاونی، لثمان^۱، چینت‌گر^۲، قایقران، راننده تراکتور، ورنه‌زن^۳، فوکا پوش^۴، درج‌گر^۵، آشپز، گروه هشت تایی، ماهی‌شمار، راننده نیسان. حوزه دوم میدان پژوهش در این مطالعه بازار ماهی‌فروشان شهرستان ساری است که محقق به مشاهده مشارکتی از اوضاع بازار در فصل صید ماهی، نحوه تعامل صیادان، دلان و صاحبان غرفه‌ها در بازار و مشتریان دائم و غیر دائم پرداخت.

جدول ۱: ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی اطلاع‌رسان‌های شرکت‌کننده در مطالعه

ردیف	مشارکت‌کننده	نقش	جنس	سن	سابقه کار	وضع تأهل	بعد خانوار
۱	محمد	آشپز	مرد	۳۰	۱۵	متاهل	۱
۲	نورعلی	رئیس تعاونی	مرد	۴۶	۱۶	متاهل	۲
۳	اسماعیل	لثمان	مرد	۴۴	۲۵	متاهل	۲
۴	آیت‌الله	بازرس	مرد	۴۲	۱۶	متاهل	۲
۵	حسن	فوکاپوش	مرد	۳۱	۳	متاهل	۱
۶	اسماعیل	درج‌گر	مرد	۳۶	۶	متاهل	۱
۷	سید عیسی	چینت‌گر	مرد	۴۸	۳۰	متاهل	۳
۸	ابوطالب	چینت‌گر	مرد	۴۷	۲۰	متاهل	۲
۹	غلام‌حسین	چینت‌گر	مرد	۶۰	۳۰	متاهل	۴
۱۰	میکائیل	چینت‌گر	مرد	۴۸	۴	متاهل	۲
۱۱	ابوذر	کارآموز توربافی	مرد	۳۰	۱	مجرد	
۱۲	حافظ	درج‌گر	مرد	۳۵	۱۴	متاهل	۲
۱۳	سلمان	راننده تراکتور	مرد	۴۶	۲۵	متاهل	۲
۱۴	امیر	راننده تراکتور	مرد	۴۶	۱۷	متاهل	۲
۱۵	داور	قایقران	مرد	۴۳	۳۰	متاهل	۲

^۱ losmān

^۲ činetgar

^۳ varnezan

^۴ pūkepūš

^۵ darajga

۱۶	سیفالله	عضو گروه هشت تایی	مرد	۴۲	۱	متأهل	۳
----	---------	----------------------	-----	----	---	-------	---

وظایف تفکیک‌شده کارکنان تعاونی در یک صید پره

در شرکت تعاونی مورد مطالعه در طول یک صید با پره افرادی که در گروه هشت تایی قرار دارند، طناب و تورها را از روی تریلی به داخل قایق بزرگ منتقل می‌کنند. پس از آن تعدادی از افراد گروه هشت تایی وارد قایق بزرگ می‌شوند و حلقه‌های طناب و تور را وارد قایق می‌کنند. این افراد باید دقت لازم را به کار برند تا حلقه‌های تور و طناب از نظم خارج نشوند و گره نخورند. علاوه بر آن در صورت باز شدن ممکن است فضای زیادی را در قایق بزرگ اشغال کنند. در همین زمان در صورت لزوم ممکن است یکی از افراد فوکاپوش وارد آب شود تا وقتی تریلی از تراکتور جدا می‌شود آن دو را توسط طنابی به هم وصل کند. وظیفه گروه هشت تایی در این مرحله به پایان می‌رسد و توسط همان تراکتور از آب خارج می‌شوند. پس از آن یکی از قایق‌رانان یک قایق کوچک را با طنابی به قایق بزرگ وصل می‌کند تا قایق بزرگ را در آب دریا به دنبال خود بکشد؛ زیرا حرکت قایق بزرگ در آب دریا به علت سنگین شدن کند می‌شود. در این بخش از صید، وظیفه لثمان این است که جهت تور را برای ریختن در دریا مشخص کند. لثمان که در گویش مازندرانی به او لثمان یا لثمانی نیز گفته می‌شود حساس‌ترین و مهم‌ترین سمت در تعاونی است. به دلیل توانایی‌ها و تجربیات، سهم او ۳/۵ برابر بقیه است و از موقعیت اجتماعی خاصی در میان بقیه اعضا برخوردار است. او مدیریت حدود ۵۰ نفر از کارکنان را بر عهده دارد و موفقیت تعاونی در یک دوره ۶ ماه صیادی تنها به دانش بومی و مهارت او در این موارد بستگی دارد: تشخیص طوفانی بودن دریا و ریختن تور در یک روز خاص، تشخیص جهت و سرعت وزش باد برای تعیین جهت پهن کردن تور، تشخیص جهت حرکت ماهی برای صید بیشتر و نحوه دوختن و تعمیر تور.

لثمان به همراه یک قایق‌ران دیگر وارد قایق مجزایی می‌شود و قبل از حرکت سه قایق، فردی که در قایق بزرگ‌تر مسئول ریختن تور در دریا است، یک سر طناب را به یکی از رانندگان تراکتور می‌دهد تا آن را به دستگاه وینچ که در قسمت انتهایی تراکتور به آن وصل شده است قرار دهد. لثمان به مسئول پهن کردن تور، جهت ریختن پره را می‌گوید و سه قایق هم‌زمان وارد آب دریا می‌شوند. در طول مدتی که تور در دریا ریخته می‌شود و در حدود ۳۰ دقیقه به طول می‌انجامد، لثمان فقط بر کار نظارت می‌کند. تور به صورت نیم‌دایره در دریا پهن می‌شود و پس از رسیدن قایق‌ها به ساحل سر دیگر طناب به راننده تراکتور دوم داده می‌شود تا وارد دستگاه وینچ شده و پره از دریا خارج شود. مدت زمان بیرون آمدن تور از دریا با توجه به شرایط جوی و میزان صید در فصول مختلف سال متغیر است. در فصل پاییز به دلیل اینکه باد به آرامی می‌وزد و پره به علت کمبود صید و وجود

ماهی در فاصله دورتر از ساحل و عمق دریا، در فاصله زیادی در دریا پهن می‌شود، مدت زمان بیرون کشیده شدن در حدود سه ساعت است. در فصل زمستان ممکن است به علت طوفانی شدن دریا و افزایش طول طناب برای ریختن پره در فاصله زیادتر، این زمان به ۴ ساعت نیز کشیده شود، زیرا ماهی در عمق است و پره باید در فاصله دورتر پهن شود. در فصل بهار این فاصله به یک ساعت می‌رسد، زیرا ماهی برای تخم‌ریزی نزدیک ساحل می‌آید و مترائ طناب مورد استفاده برای ریختن تور در دریا کاهش می‌یابد. در این فاصله لثمان برای استراحت به اتاق خود می‌رود. افرادی که در زمان بیرون کشیدن پره به انجام وظیفه خود می‌پردازند عبارت‌اند از: رانندگان تراکتور، ورنه زن‌ها، قایق‌ران‌ها و در صورت نیاز مسئول روز، شخصی که در اصطلاح صیادان "هیئت روز" گفته می‌شود. راننده تراکتور موظف است تا با دقت به صدای تراکتور و عملکرد دستگاه وینچ به شیوه جمع شدن طناب توجه کند تا در صورت سنگین کشیدن یا پاره شدن طناب، این مسئله را به هیئت روز منتقل کند. این فرد مسئله را به یکی از رانندگان قایق منتقل می‌کند تا در دریا دو سر طناب پاره شده را به هم گره بزند. در صورتی که طناب چندین بار پاره شود، نشان‌دهنده گیر کردن تور در گل‌ولای کف دریا است. در این وضعیت، با توجه به شدت گیر کردن تور، رئیس تعاونی عده‌ای از کارکنان را برای درآوردن پره با قایق به دریا می‌برد. اینکه چه تعدادی از افراد با چه تخصصی به این کار می‌پردازند به ظرفیت قایق، قدرت بدنی افراد برای بیرون آوردن تور و در دسترس بودن آنها بستگی دارد.

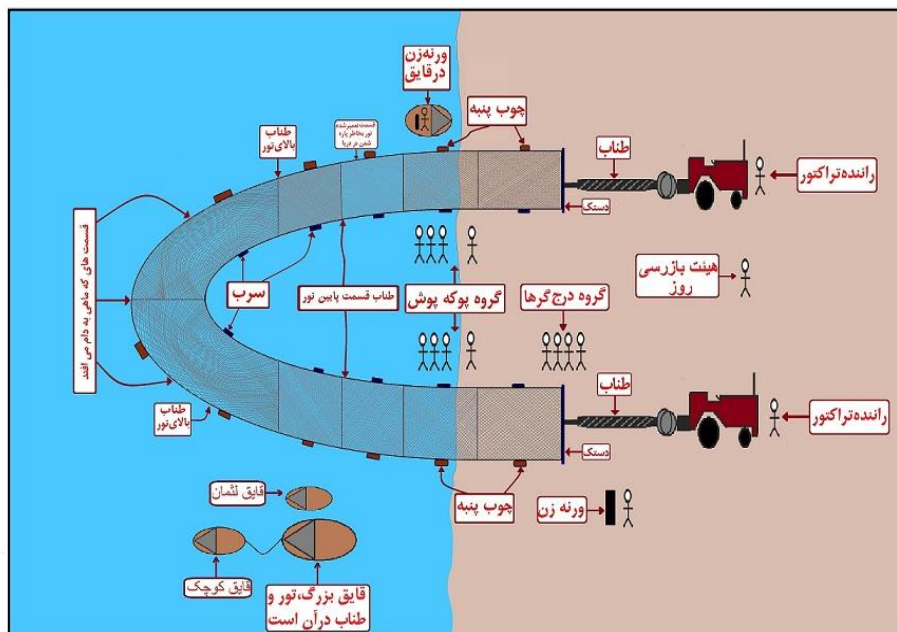
ورنه‌زن بر روی تریلی طناب‌ها را در حلقه‌هایی جمع می‌کند و بر روی آن قرار می‌دهد. در سوی دیگر تور، ورنه‌زن دیگری در قایق بزرگ طناب‌ها را به همین صورت جمع می‌کند و در درون آن قرار می‌دهد تا برای ریختن تور بعدی آماده باشد. بعد از حدود ۱:۳۰ تا ۲ ساعت طناب در حال کشیدن به قسمت‌های پایانی خود می‌رسد. در این مرحله از کار ابتدا گروه فوکاپوش‌ها و سپس درج‌گرها وارد کار می‌شوند. فوکاپوش‌ها در ابتدا وارد آب دریا شده، قسمت پایین تور را با پا لگد می‌کنند تا ماهی راه فراری نداشته باشد و قسمت بالای تور را کمی بالاتر نگه می‌دارند، زیرا ماهی کفال ممکن است از بالای تور بپرد و فرار کند. علاوه بر آن فردی از گروه پوکاپوش‌ها طنابی را با یک میله فلزی به تور وصل می‌کند و در درون دستگاه وینچ قرار می‌دهد، زمانی که دستگاه وینچ طناب را می‌کشد، تور از دریا خارج می‌شود. زمانی که تور در حال بیرون کشیدن به دستگاه وینچ نزدیک شد، راننده تراکتور برای چند لحظه کار دستگاه وینچ را متوقف می‌کند تا طناب بیرون آید و تور خارج‌شده بر روی تریلی حلقه شود. درج‌گرها گروهی از کارکنان تعاونی هستند که این مسئولیت را بر عهده دارند. تعدادی از آنها در کنار ساحل تور را دست‌به‌دست به سمت افراد بالای تریلی هدایت می‌کنند. درج‌گرهای مستقر بر روی تریلی قسمت بالا و پایین تور را از هم جدا کرده و در دو حلقه دسته‌بندی می‌کنند تا تور به‌هم‌پیچیده نشود. سپس فرد فوکاپوش طناب را به ادامه تور وصل می‌کند تا دوباره مراحل قبل تکرار شود. این کار تا جایی ادامه پیدا می‌کند که جمع کردن تور به خال آخر برسد. در این مرحله بخش‌های تور مستقیماً به

دستگاه وینچ وصل می‌شود و راننده تراکتور با حرکت زیگزاگی (عقب و جلو بردن تراکتور) تور را از دریا خارج می‌کند. این حرکت به این دلیل است که گل‌ولای چسبیده به تور از آن جدا شود. در این مرحله فردی به راننده تراکتور کمک می‌کند و بخش‌هایی از تور را به فواصل معین به دستگاه وینچ وصل می‌کند. در قسمت نهایی جمع کردن تور یکی از تراکتورها به تراکتور دیگر نزدیک می‌شود تا دو تریلی در کنار هم قرار گیرند. جهت وزش باد یا آنچه در اصطلاح صیادان به آن "شورش" گفته می‌شود، مشخص می‌کند که کدام تراکتور باید به سمت تراکتور دیگر برود.

درج‌گرها مسئولیت دیگری نیز بر عهده دارند. آنها قبل از جمع کردن تور و دسته‌بندی آن، مسیری از ساحل که قسمت‌های پایانی تور در زمان جمع شدن بر روی آن قرار می‌گیرد را تمیز می‌کنند تا آشغال‌هایی که توسط گردشگران بر روی زمین ریخته می‌شود، تکه‌های چوب، دام‌های صیادان غیرمجاز که به همراه پره به ساحل منتقل می‌شود را بردارند. از زمانی که درج‌گرها کار خود را آغاز می‌کنند و تورها را بر روی تریلی به شکل حلقه دسته‌بندی می‌کنند، کار گروه دیگری از کارکنان تعاونی به طور هم‌زمان آغاز می‌شود. چینت‌گران افرادی هستند که قسمت‌های پاره‌شده تور را که توسط درج‌گرها جدا شده و از لبه تریلی آویزان می‌شود، می‌دوزند. این افراد پس از جمع شدن پره و رفتن کارکنان به اتاق‌هایشان برای استراحت تا جایی ادامه دارد که تور آماده شود زیرا ممکن است زمانی به علت فراوانی ماهی و صید زیاد، در همان روز آن پره وارد دریا شود. به نظر می‌رسد جمع کردن ماهی مسئولیت افراد خاصی نباشد. فوکاپوش‌ها، درج‌گرها، چینت‌گران و بعضاً رئیس تعاونی افرادی بودند که در این مسئله مورد مشاهده پژوهشگر قرار گرفتند. در تمام مدتی که تور در حال جمع شدن است، فردی که به او هیئت روز گفته می‌شود کارکنان دو سمت را با هم هماهنگ می‌کند و این کار اغلب با سوت و حرکت‌های دست و سر صورت می‌گیرد. ماهی پس از جمع شدن درون جعبه‌هایی قرار می‌گیرد و با نیسان به انبار ماهی در ابتدای سوله تعاونی منتقل می‌شود. پس از این مرحله راننده نیسان با یکی از اعضای هیئت‌مدیره ماهی را به بازار ماهی‌فروشان ساری می‌برند تا به کمک فردی به نام سمّاک، ماهی را طبقه‌بندی و قیمت‌گذاری کنند که در اصطلاح به این قیمت‌گذاری "چوب زدن" گفته می‌شود. سمّاک‌ها می‌توانند صاحبان مغازه‌های بازار ماهی‌فروشان باشند؛ افرادی که در زمان کمبود صید، شرکت را از نظر مالی حمایت می‌کنند. حق‌الزحمه سمّاک برای کاری که انجام می‌دهد ۴٪ است؛ بنابراین قیمت ماهی تنها در بازار و توسط مغازه‌داران مشخص می‌شود. به این صورت که در ابتدا یک قیمت مشخص پیشنهاد و توسط فردی با صدای بلند اعلام می‌شود. اگر شخصی قیمت بالاتری را پیشنهاد داد، آن مبلغ به عنوان قیمت موقت ماهی در نظر گرفته می‌شود تا پیشنهاد بالاتری ارائه شود. این مرحله ادامه می‌یابد تا قیمتی پیشنهاد شود که بالاتر از آن پیشنهادی صورت نگیرد؛ بنابراین بالاترین مبلغ، قیمت تثبیت‌شده ماهی است. پس از آن ماهی به آن مغازه‌دار یا سمّاک فروخته می‌شود و فاکتور

خرید به دو طرف معامله واگذار می‌شود. شرکت‌های تعاونی معمولاً در روزهای پنج‌شنبه فاکتورهای یک هفته را به بازار می‌برند و مبلغ نقدی را از خریدار ماهی دریافت می‌کنند. بر اساس مصاحبه‌ای که با مشارکت‌کننده ۲ صورت گرفت، دریافت پول در پایان هفته به صورت نقدی است و نسبه صورت نمی‌گیرد.

تصویر ۱: موضوع: شکل پره



منبع: نگارندگان

مناسبات و روابط اجتماعی ماهی گیران

در برخی جوامع ماهی‌گیر، سن، تجربه، دانش بومی- محلی، تخصص و مهارت از جمله ملاک‌هایی هستند که برخی صیادان را از سایرین متمایز می‌کنند. در مبحث روابط ماهی‌گیران در ابتدا باید به رابطه کارکنان تعاونی با لثمان اشاره کرد.

مشارکت‌کننده ۱ از اصطلاح "رئیس ما" برای نامیدن لثمان استفاده کرد. استفاده از این واژه نشان‌دهنده میزان احترام و صمیمیت این فرد با لثمان بود. در قسمت دیگری در همین مصاحبه، این فرد، لثمان را با واژه دایی مورد خطاب قرار داد که در اینجا بیشتر نشان‌دهنده میزان صمیمیت است. در مجموع این فرد، زمان ورود لثمان به اتاق با دعوت کردن او به صرف چای و استراحت میزان احترام و تا حدی ارادت خود را به او نشان می‌داد. به کار بردن عبارت "آقای بزرگ، ناخدای شرکت ما" در زمان خطاب کردن لثمان توسط مشارکت‌کننده ۴، نشان‌دهنده جایگاه بالای این فرد در میان اعضای تعاونی است. عبارت این برداشت را القا می‌کند که لثمان در جایگاه گرداننده امور، مدیر و سرآمد همه آنها است

و جایگاهی مشابه با یک ناخدا در یک کشتی دارد. لحن صحبت مشارکت‌کننده ۴ در زمان بیان این عبارت که همراه با لبخند و رضایت بود، نشانگر رابطه صمیمانه اعضا با لثمان است. از سوی دیگر مشارکت‌کننده ۱۴ در بخشی از مصاحبه لثمان را با عنوان ”رئیس دریا“ خطاب کرد که به نوعی نشان‌دهنده اقتدار این فرد است. همان‌طور که اشاره شده مسئولیت پره بر عهده لثمان قرار است. لثمان با دو گروه از کارکنان تعاونی تعامل بیشتری دارد

”مثلاً ما چینت‌چی‌ها زیر نظر لثمانیم، بهت بگم دست راست لثمان چینت چی هستش، دست چپش هم قایقرانه. همین کارایی که انجام می‌دیم، در اصل مسئولیت این پره دست لثمانه“ (مشارکت‌کننده ۸)

وقتی از لثمان پرسیده شد که ممکن است وظایف افراد را به آنها گوش زد کند، پاسخ او به صورتی بود که نشان می‌داد بین مسئولیت‌های افراد تعریف دقیقی وجود دارد و هر کسی می‌داند که چه کاری باید انجام دهد. بیشترین تعامل لثمان با چینت‌گر درباره شیوه بافت و تعمیر تور است. از سوی دیگر پاسخ لثمان نشان‌دهنده نظم در انجام امور است.

”همه افرادی که اینجا کار میکنند دقیقاً هر کدام می‌دونن چه کاری باید انجام بدن و هر وقت مشکل پیش اومد، من اینها رو راهنمایی می‌کنم که چه کار کنن، سلسله مراتبی در کار نیست، هر کس میدونه چه کار باید انجام بده“

لزوم تبعیت چینت‌گران از لثمان و اینکه این فرد نسبت به آنها در جایگاه اقتدار قرار دارد، توسط مشارکت‌کننده ۸ توضیح داده شده است:

”حتی اگه اطلاعاتم بیشتر باشه، چون که او استاد ما هستش باید به ... فقط در حد مشورت می‌تونیم باهش مشورت ... آقا این رو اگه این جور می‌کنه بهتره، اگه قبول کرد که بهتر، اگه قبول نکرد نمی‌تونم بیشتر از این اصرار کنم“

مشارکت‌کننده ۸ با اشاره به نکاتی، نشان داد که ریاست لثمان در پره به چه صورت نمود پیدا می‌کند. این مسئله از یک جهت نشان‌دهنده اقتدار لثمان و لزوم تبعیت کارکنان است و از طرف دیگر بیانگر این نکته است که در صورت بروز مشکل تنها شخص لثمان باید پاسخگو باشد:

”مثلاً لثمان الان بیاد بگه این گره رو این جور می‌زنن به جور دیگه باید بزنی، من باید بگم چشم. بالاخره مسئولیت پره زیر نظر لثمانه. هرچی که این گفت ما باید انجام بدیم. رئیس ما اینه. [مکت] اگه یه وقت مثلاً مشکلی پیش اومد، اون باید رفع مشکل کنه تو پره“

در صورت ناکامی‌های پیاپی نظیر زمانی که استهلاک تور بیش از حد، عدم تشخیص صحیح جهت حرکت ماهی و ریختن پره در دریا و کاهش صید با لثمان فسخ معامله صورت می‌گیرد. شبکه روابط شغلی میان رئیس با لثمان به خصوص در زمان بروز مشکل، لثمان را از سو در موقعیت اقتدار قرار می‌دهد و از طرف دیگر در زنجیره روابط شغلی واسطه میان چینت گران و رئیس است:

”رئیس اصلاً با ما کار نداره، رئیس میاد به لثمان میگه، لثمان باید جواب گوی شرکت باشه“ (شرکت‌کننده ۷)

”کلاً ما به هیچ عنوان نمی‌ریم. ما هر مشکلی داشته باشیم به لثمان می‌گیم، لثمان میره به رئیس شرکت میگه. رئیس شرکت هم اگر ما اینجا گرفتاری داشته باشیم، یقه ماها رو نمی‌گیره، میاد به لثمان میگه، چینت‌چی‌هات این جور ی ان، چینت چی هات اون جور ی ان“ (شرکت‌کننده ۷)

چینت‌گران حتی زمانی که حس کنند اطلاعاتشان در زمینه‌ای از لثمان بیشتر است، در موقعیتی قرار ندارند که خود دست‌به‌کاری بزنند که برخلاف نظر لثمان باشد.

”درسته مثلاً من الآن شاید بلد باشم ولی هیچ‌وقت نمی‌تونم نظر بدم. اظهارنظر در حد مشورت باید باشه؛ که اگه این کار رو کنیم، شاید این جور ی بشه، اگر قبول کرد، تونستم قانعش کنم، خب این کار و انجام میدم، اگه نتونستم قانعش کنم همون کاری که گفت رو باید انجام بدم“

از سوی دیگر اعتماد لثمان به تخصص چینت‌گران در زمینه ساخت پره در حدی است که هنگام کار چینت‌گران، حضور او و مشاهده مستقیم نحوه انجام کار ضرورتی ندارد.

”چون لثمان، مسئولیت پره به گردن لثمان هست، اون باشه، نباشه به من میگه تو کار خودت رو انجام بده، تو این کارو بکن. من همون کاری که اون گفت انجام میدم“ (مشارکت‌کننده ۸)

مشارکت‌کننده ۸ در اهمیت و تأثیر شخصیت، تجربه و تخصص لثمان در یک شرکت تعاونی از مثال یک استاد دانشگاه برای دانشجویان خود استفاده کرده است. لحن صحبت کردن این فرد این برداشت را القا می‌کرد که او به حضور این لثمان در تعاونی افتخار می‌کند

”آقای بزرگتر به نظر من [مکت] اگه یارو بشه بخوان نمره بدن، من یکی به این میدم ۲۵، ۲۰ هم رد می‌کنم. تو این دور و ور کسی نیست تجربه و اطلاعات

این رو داشته باشه. مثلاً شما تو دانشگاه چند تا دبیر دارین درسته؟ یه دونه استاد دانشگاه وقتی صحبت می‌کنه شما جذب صحبتش می‌شی. مثلاً بگم اون درسو همیشه با علاقه بیشتری میرن مثلاً سر اون کلاس می‌شینین“

او در ادامه علاقه خود به این فرد و تفاوت او با برخی لثمان‌های دیگر را در توانایی او در توضیح علت وجود روش‌هایی خاص در فنون توربافی می‌داند:

”اسمال برزگر هم همین جوهره، وقتی در مورد صیادی صحبت می‌کنه من یکی کیف می‌کنم. مثلاً وقتی میگه آقا گره رو این جور بزن، قشنگ توجیهت می‌کنه، گره باید این جور باشه، به این علت باید این جور باشه، بعضی‌ها میگن آقا باید این جور باشه، وقتی ازشون سؤال می‌کنی می‌خوای که چرا، دلیلش رو یه چیزی، یه جوهری میگه که تو اون قدر هم که می‌دونستی فراموش می‌کنی. ولی اسمال خیلی خوبه“

اعضای تعاونی در حین انجام کار وظایف خود را به درستی می‌دانند و کسی به اعضا برای انجام کار دستور نمی‌دهد. جایگاه همه افراد برابر است و تنها لثمان که مدیریت پره را بر عهده دارد، در صورت نیاز افراد را راهنمایی می‌کند یا از آنها می‌خواهد کاری را انجام دهند. علاوه بر لثمان، بازرس در زمان پهن شدن پره تا بیرون کشیدن آن، بر کارها نظارت می‌کند و افراد را در دو سمت هدایت می‌کند. به همین دلیل بعضاً ممکن است با اشارات دست و سوت زدن و حرکات غیرکلامی از اعضا بخواهد کاری را انجام دهند.

در شرکت تعاونی اعضا برای رسیدن به صید بیشتر با یکدیگر همکاری می‌کنند و این به علت داشتن سهم مساوی است. نظام سهم‌بری یکی از پیامدهای این سازمان‌دهی است. افراد فقط بخشی از صید را دریافت می‌کنند. این امر تا حد زیادی انگیزه‌ای را در میان صیادان تقویت می‌کند که خود را سهام در یک تجارت بدانند. تجارتی که در آن همکاری بیشتر به معنای موفقیت بیشتر است. در برخی جوامع، سهم افزوده بر اساس ملاک سن و تجربه به افراد به خصوصی تعلق می‌گیرد، درحالی‌که در جوامع دیگر همگی صرف‌نظر از تجربه در درآمد سهم هستند. در مواردی که ماهی‌گیری موفقیت‌آمیز به متخصصان با مهارت بسیار بالا بستگی دارد، این افراد درصد بالاتری از درآمد صید را دریافت می‌کنند (آچسون، ۱۹۸۱: ۲۷۸). لثمان در جامعه مورد مطالعه در زمره این متخصصان قرار می‌گیرد. دانش بومی - محلی او در موفقیت شرکت تعاونی تا اندازه‌ای قابل اتکا است که سایر اعضا (در واقع پیروان) هیچ اعتراضی به آن ندارند.

همان‌طور که اشاره شده مسئولیت‌های افراد در یک دوره شش ماهه صیادی، طی جلسه‌ای مشخص می‌شود که افراد بر اساس میل و علاقه خود شغلی را انتخاب می‌کنند. در همین زمینه از مشارکت‌کننده ۲ پرسیده شد که آیا او کار هر فرد را مشخص می‌کند یا

خیر، پاسخ او که لحن رضایت را القا می‌کرد به این شکل بود: “نه کار به اون جا نمی‌کشه”. این جمله بیانگر این مسئله است که جایگاه افراد در تعاونی با هم برابر است و سلسله‌مراتبی در موقعیت افراد وجود ندارد و نشان می‌دهد که رابطه افراد بر اساس دوستی و سازگاری اعضا است تا جایی که کار به دستور دادن در موقعیت اقتدار نمی‌کشد.

خریدوفروش سهام اعضا در تعاونی موقعیتی است که کارکنان را در رابطه خاصی با یکدیگر قرار می‌دهد. شیوه استخدام و یا جذب اعضاء جدید در شرکت و خریدوفروش سهام بیشتر مبتنی بر روابط خویشاوندی و دوستی است. اعضا با شناخت کامل از فرد خواستار سهام نظرشان را در رأی‌گیری اعمال می‌کنند. این روش تأثیرگذاری بر انتخاب اعضای جدید نشان‌دهنده این است که افراد خود را متعلق به یک خانواده بزرگ می‌پندارند که در درآمدهای بی‌ثبات و متغیر این شغل فشارها را تحمل کنند. توضیحات ماهی‌گیر ۴ درباره فروش سهام به افراد خارجی، از یک‌سو نشان‌دهنده حساسیت این مسئله نزد آنها و از طرف دیگر تلاش برای حفظ سهام و به گردش انداختن آن با افراد آشنا و کسانی است که اعضای تعاونی از آنها شناخت کافی دارند:

”خریدن سهام [مکث و فکر کردن بازرس برای جواب دادن] اول اینکه یه مقدار گروه، دومندش که ما خارجی رو نمی‌ذاریم، بومی رو می‌ذاریم، محلی رو می‌ذاریم [مکث]. دور و ور ۸۵ میلیون، ۹۰ میلیونه خریدن سهام، آره. نمی‌تونن“

در ادامه این مشارکت‌کننده عنوان می‌کند که تلاش آنها بر این است که همه کارکنان شرکت از اعضا باشند. در این زمینه او مثال حسابدار را زد:

”ما همه به اصطلاح رئیس و مدیر عامل و بازرس و هیئت‌مدیره همه از خودمون هستیم، کسی از بیرون نمی‌یاریم. گه گاهی یه چند سال پیش، خود حسابدار هم از بیرون می‌اوردیم. یه چند ماهیه مثلاً ... ماهی ۳۰۰ تومن، ۴۰۰ تومن اینا حقوق می‌دادیم، بعد اینا می‌اومدن واسه ما اعتراض‌نامه می‌گرفتن، حساب می‌کردن. ولی الآن نه. الآن حسابدار، مدیر عامل، رئیس، هیئت‌مدیره اینا همه از خودمون هستند“

وظیفه بازرس توجه و نظارت بر خلاف‌هایی است که ممکن است از طرف هر کدام از اعضای تعاونی اعم از هیئت‌مدیره، صیاد و ... سر بزنند. در این زمینه پاسخ مشارکت‌کننده ۴ این حس را القا می‌کند که علی‌رغم رابطه دوستی و انسجام میان اعضای تعاونی، بازرس موظف است از بروز اختلاف جلوگیری کند. قاطعیت او در بیان این جملات نشان می‌دهد روابط میان اعضای تعاونی جایگاه خود را دارد و نظارت بر کار آنها برای جلوگیری از بروز خلاف با رابطه دوستی آنها تداخل ایجاد نمی‌کند:

”چیزایی که خلاف شرکت باشه، خلاف آیین‌نامه و حساب‌رسی باشه، چه هیئت‌مدیره، چه رئیس، چه مدیر عامل، چه خود صیاد، خلاف بکنن، به هر حال ما جلوشون رو می‌گیریم، به اصطلاح کلاه‌برداری نباشه، میایم همه رو چک می‌کنیم“

در زمینه همکاری فوکاپوش‌ها با سایر کارکنان تعاونی، مشارکت‌کننده ۵ به این مسئله اشاره کرد که صبح زود، قبل از ورود سایر کارکنان، آنها ممکن است وارد دریا شوند:

”صبحا بعضی موقع می‌ریم، چون اونا دیر میان، ما به خاطر ... همکاری می‌کنیم“

فوکاپوش‌ها برخلاف سایر اعضای تعاونی که شب به منزل خود بازمی‌گردند، در طول شب نیز در تعاونی حضور دارند، به همین دلیل ممکن است در کارهایی که صبح زود صورت می‌گیرد، با سایر اعضا همکاری می‌کنند. صرف حضور فوکاپوش‌ها در تعاونی نشان‌دهنده تمایزی است که اعضای سهام‌دار تعاونی با اعضای غیرسهام‌دار قائل می‌شوند. کارکنان سهام‌دار مسئولیت‌های سخت و توان‌فرسا را بر عهده نمی‌گیرند و در عوض هزینه آن را به کارگران روزمزد می‌پردازند.

در گروه فوکاپوش‌ها، سرکارگری از قومیت خودشان وجود دارد که طبق نظر مشارکت‌کننده شماره ۵: ”چند نفر رو میاره، به خاطر اون سرگروه میشه“. این شخص وظایف افراد را به آنها گوشزد نمی‌کند و هر کدام کار خود را انجام می‌دهند: ”خودم می‌دونم چه جوریم، سرکارگر داریم، ولی نمی‌گه این طوری کن، فلان کن، می‌دونیم چه جوریم، آره“.

مشارکت‌کننده ۱۳ در بخشی از مصاحبه از تأثیر دستگاه وینچ در آسان شدن شیوه صید پره به علت عدم نیاز به قدرت بدنی کارکنان اشاره می‌کند که به مراتب تأثیر آن را از تراکتور بیشتر می‌کند. استفاده از این دستگاه اختلاف میان کارکنان را کاهش داده است. این مشارکت‌کننده نخستین اطلاع‌رسانی بود که به تأثیر یک دستگاه در روابط میان کارکنان اشاره کرد:

”وینچ رو آوردن که رو اون تراکتور ما وصله. همون که جلوی جیب وصله، حالا این رو اومدن چیکار کردن رو تراکتور وصل کردن. خیلی راحت تراکتور درجا کار می‌کنه، نیروی زیادی هم ببره، نمی‌بره، اختلاف‌ها کم شده“

پیش از به کار بردن تراکتور و دستگاه وینچ در شرکت‌های تعاونی، کارگران طناب متصل به تور را با دستان خود می‌کشیدند که کار صید را بسیار دشوار می‌ساخت؛ بنابراین

ممکن بود بین آنها اختلافاتی ناشی از کم‌کاری عده‌ای از آنها یا عدم رعایت نوبت برای کشیدن طناب به وجود آید. امروزه استفاده از دستگاه وینچ این مسائل به طور کلی بر طرف کرده اما در مقابل استهلاک بیشتر پره و کاهش شدید منابع صید را به دنبال داشته است. استفاده از فناوری‌ها تقسیم وظایف (هیئت‌مدیره، ورنه‌زن، آشپز، گروه هشت تایی و ...) را بازتعریف کرده، صیادان را در رابطه اجتماعی- حرفه‌ای جدیدی قرار داده و برابری اعضا و همکاری میان آنان را به شکل دیگری تفسیر کرده است. صرف‌نظر از شخص لثمان و چینت‌گران با مهارت‌ها و تخصص‌هایشان، کارکنان در ابتدای سال در جلسه، عهده‌دار وظایفی می‌شوند که ممکن سال آینده بر عهده شخص دیگری باشد. این اصل بیانگر اهمیت جایگاه هر کدام از ماهی‌گیران و کارشان در طول یک دوره صید است. این ترتیب هر ادعایی مبنی بر اینکه فقط تعداد محدودی در مسئولیت‌های حساس، سنگین و توان‌فرسا قرار دارند را رد می‌کند. در نهایت این امر نشان‌دهنده ویژگی تعاونی بودن شرکت، روابط مبتنی بر برابری، تداعی‌گر حس همکاری داوطلبانه اعضاست.

در بحث از نگرانی و خطرات صید در روزهای طوفانی، مشارکت‌کننده ۱۳ به نکته‌ای اشاره کرد که نشان‌دهنده همدلی اعضا در تعاونی با یکدیگر و با خانواده‌هایشان است:

”نگران صد درصد، بله دیگه صد درصد. روزها طوفانی حتی قایق، خانواده‌های قایقران... خانواده‌های قایقران هم باز جزو خانواده‌های امان هستن [اما هستند]. فرقی نکنده، [فرقی نمی‌کنه]“

بیان این نکته نشان می‌دهد که اعضای تعاونی خود را متعلق به یک خانواده بزرگ می‌دانند. زمانی که دریا طوفانی می‌شود برای نگهداری از ادوات و تجهیزات ممکن است، شب‌ها در هر اتاق دو نفر بمانند. در حالت عادی هر شب یک نفر به عنوان نگهبان تعیین می‌شود و معمولاً اعضا به صورت داوطلبانه مشخص می‌شوند.

نتیجه‌گیری

این مقاله نشان می‌دهد که رابطه کارکنان تعاونی که یک شرکت سهامی را تشکیل داده‌اند چگونه بر پایه برابری شکل گرفته است، همکاری میان اعضا برای پیش بردن عملیات صید نقش مهمی را ایفا می‌کند. وظایف و مسئولیت‌های افراد در تعاونی تعریف شده و قابل تفکیک است و به جز لثمان و چینت‌گران، افراد تعاونی در ابتدای سال بر اساس میل خود مسئولیت‌هایی را بر عهده می‌گیرند. علت این مسئله ممکن است به این موضوع مربوط شود که مسئولیت‌های سنگین که به نیروی بدنی بیشتری نیاز دارد یا به علت تماس با آب دریا دشوارتر باشند، هر سال میان اعضا تقسیم شود و به نوعی تعدیل در وظایف صورت گیرد.

در مقاله *ارزیابی خودمان، تطابق و نگرانی در عرشه یک ناوگان ماهی‌گیری* که توسط (پیتر نوستن،^۱ ۱۹۹۱) به رابطه میان ناخداها و خدمه‌ها در ناوگان‌های ماهی‌گیری تأکید شد که چگونه بر تمایزات مبتنی بر اقتدار وابسته به مقام و موقعیت پیروز شدند و رابطه‌ای را ایجاد کردند که بر اعتماد و اطمینان مبتنی بود. در این مقاله نیز رابطه لثمان با سایر اعضای تعاونی مورد بررسی قرار گرفت با این تفاوت که میدان مورد مطالعه محقق، رابطه افراد در ساحل را مد نظر قرار داده است. اقتدار لثمان به علت تخصص و مهارت‌ها است. اما رابطه او با افراد کاملاً دوستانه و بر اعتماد و اطمینان به کار چینی‌گران مبتنی بود. چینی‌گران خود را موظف به اطاعت از او می‌دانستند و لثمان را به عنوان فردی در نظر می‌گرفتند که از مصاحبت با او به علت تجربه‌ها و دانسته‌های ارزشمندش از دریا، تعمیر و بافت تور لذت می‌بردند.

در این مقاله به این مسئله پرداخته شد که مشاهده رفتار ماهی، ترکیب گونه‌ها و تغییرات مرتبط با اکوسیستم‌های ساحل هم بر مدیریت سنتی منابع و هم کار متخصصان ماهی‌گیری تأثیرگذار است. تأثیر باد و طوفان و آنچه در اصطلاح ماهی‌گیران به آن شورش گفته می‌شود در به تعویق افتادن صید ماهی مورد بررسی قرار گرفت. در روزهای طوفانی صید صورت نمی‌گیرد، بنابراین راهکار خاصی برای مقابله با این مسئله وجود ندارد و تنها سرعت عمل قایق‌ران و لثمان برای دور شدن از موج و پشت سر گذاشتن آن مد نظر است. وظیفه لثمان در زمینه تشخیص جهت حرکت ماهی و پهن کردن تور در عمق و مسافت خاص که با توجه به فصل‌های سال متغیر است چگونگی مدیریت او در یک صید پره را نشان می‌دهد.

در محیط پژوهشی ایران، این مقاله در زمره یکی از نخستین مطالعات انجام‌شده درباره خرده‌فرهنگ صیادان در شمال کشور است. محقق با هدف توصیف فرهنگ صیادان شرکت‌های تعاونی پره، یک شرکت را انتخاب و به مطالعه عمیق پرداخته است. مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق با هر کدام از اعضای تعاونی که وظیفه خاصی را بر عهده دارند باعث شده تا محقق بتواند به نقش هر کدام از آنها، خطرات پیش رو، تخصص‌ها و مهارت‌ها، دانش بومی و روابط آنها با یکدیگر بپردازد. دیدگاه این افراد در مورد صیادی، شغلی است که به علت غیر قابل پیش‌بینی بودن شرایط دریا و استهلاک زیاد این شیوه از صید، آنها را در تنگنایی قرار می‌دهد و رضایت شغلی را در میانشان به حداقل می‌رساند. اجبار به ماندن در این شغل به علت بیکاری و کامل شدن سنوات بیمه اجتماعی از جمله مواردی بودند که تعدادی از ماهی‌گیران را به کار در تعاونی و صید ماهی وادار می‌کرد. مشکلات مربوط به افزایش و نوسان قیمت تجهیزاتی مانند تور، طناب و موتور قایق از یک‌سو و وارد آمدن خسارات ناشی از عوامل طبیعی مانند باد و طوفان به پره در سال گذشته باعث اتمام پس‌انداز تعاونی و قرار گرفتن شرکت در آستانه ورشکستگی شده است. مواردی از این قبیل

¹ Peter Knuston

و مشکلاتی نظیر دردهای مفصلی، کلیه و رماتیسم، نارضایتی از صید را در میان ماهی‌گیران به نحوی نشان می‌دهد که تعدادی از آنها این شغل را بدترین شغل عنوان کردند و فقر مالی، عدم آگاهی خانواده و از دست دادن فرصت‌های تحصیل در گذشته را علت اساسی اشتغال در شرکت تعاونی و صید ماهی می‌دانستند. از سوی دیگر در زمینه صید اندک ماهی و راهکارهایی برای مقابله با آن می‌توان به باورهای شکل گرفته پیرامون این موارد اشاره کرد. گره زدن پارچه سبز به تور و طناب که در روز هفتم ماه محرم به عنوان تبرک از علم حضرت ابوالفضل در مراسمی موسوم به "علم گردش" گرفته و جدا می‌شود یکی از این باورهاست. در اشاره به فرهنگ ماهی‌گیران می‌توان به تخصص‌ها و مهارت‌های افراد در هر بخش و شیوه آموختن آنها اشاره کرد. کارکنان تعاونی اغلب، مهارت‌ها را از پدران خود که جایگزین آنها شده و سهام آنها را پس از فوت به ارث برده‌اند، آموخته‌اند و فنون سینه‌به‌سینه و به شکل سنتی به آنها واگذار شده است. اشتغال در فصول غیر صید در میان سایر کارکنان به سه بخش تقسیم می‌شود. لثمان و چینت‌گران به علت تخصص در بافت و تعمیر تور، بافتن تور برای پرورش‌دهندگان ماهی و یا تعاونی‌های دیگر را بر عهده می‌گیرند. کارگران پوک‌پوش به خیاطی و سایر کارکنان بومی استان مازندران و گیلان به کشاورزی و اغلب کشت برنج در بهار و تابستان می‌پردازند.

این مطالعه می‌تواند نقطه عظیمی برای پژوهش‌های آتی در مطالعات انسان‌شناسی ساحلی و انسان‌شناسی ماهی‌گیری تلقی شود. به علت زمان‌بر و پرهزینه بودن مطالعات میدانی، محقق از مردم‌نگاری عمیق و پژوهش در بخش‌هایی از زندگی صیادان صرف‌نظر کرده است. در میان این بخش‌ها، می‌توان به مباحث اقتصادی و معیشتی اشاره کرد. بررسی محقق اصلی در این بعد به حضور در بازار ماهی‌فروشان ساری و مشاهده نحوه طبقه‌بندی و قیمت‌گذاری گونه‌های ماهی با روش چوب زدن و چانه‌زنی‌های مربوطه بین سماک و مغازه‌داران در بازار محدود شد. یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد، رابطه مشکلات خاص صیادان با زندگی خانوادگی آنها و نقش همسران این افراد در چگونگی مواجهه و حل این مشکلات است. از سوی دیگر صیادان در استان مازندران در سه بخش صید ماهیان خاویار، ماهیان استخوانی و کیلکا به فعالیت می‌پردازند که در این مطالعه صرفاً به صیادان ماهیان استخوانی در قالب شرکت‌های تعاونی پره اشاره شد. اهداف و مقولات این مطالعه می‌تواند در راستای مطالعه دو گروه دیگر از صیادان این استان (صیادان ماهیان کیلکا و خاویاری) به کار گرفته شود و در صورت امکان به رابطه صیادان با یکدیگر و مقایسه تطبیقی مشکلات، ابزار و تجهیزات، رضایت از شغل، تخصص‌ها و مهارت‌ها، تقسیم وظایف، قوانین و مقررات در هر سه گروه پرداخته شود. صید ماهی و آبیان در دریای خزر افزون بر استان مازندران در استان‌های گیلان، گلستان، خوزستان و هرمزگان نیز صورت می‌گیرد؛ بنابراین، محققان و دانشجویانی که ساکن این استان‌ها هستند و با خرده‌فرهنگ صیادان و شیوه برقراری تعامل با این افراد آشنایی کافی دارند، می‌توانند فرصتی را برای پژوهش در صیادی و مردم‌نگاری ماهی‌گیری در بخش‌های

مختلف فراهم کنند. سخن کوتاه اینکه ما امیدواریم با انجام این مطالعه به مقاصد اصلی خود در اجرای آن یعنی کشف و ثبت خرده‌فرهنگ مردمان ماهی‌گیر و الحاق آن به بدنه دانش و مطالعات انسان‌شناسی ایران نزدیک‌تر شده و بتوانیم با ارائه تصویری علمی، واضح و دقیق از زندگی روزمره و مسائل و مشکلات صیادان در ابعاد مختلف، به نحوی سهمی در تفهیم مناسب این مسائل به سازمان‌های ذی‌ربط و نهایتاً در مدیریت مسائل آنها داشته باشیم.

منابع

- احمدی‌پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۴)، «پهنه آبی شمال ایران: خزر تا کاسپین»، *فصل‌نامه ژئوپلیتیک*، سال ۱، شماره ۱، صص: ۳۶-۵۳.
- باوند، داود هرمیداس (۱۳۸۰)، «رژیم حقوقی دریای خزر: نگاهی به ابعاد زیست‌محیطی و امنیتی»، *فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۳۶، صص: ۷-۳۸.
- پورکاظمی، محمد (۱۳۸۷)، «منابع زنده دریای خزر و کنوانسیون محیط‌زیست»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۱، شماره ۱، صص: ۱-۲۰.
- خدادادی، بنیامین (۱۳۹۱). *راهنمای گردشگری استان مازندران*، ساری: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران.
- غنی‌نژاد، داوود و عبدالملکی، شهرام (۱۳۸۸)، «بهره‌برداری پایدار از ماهیان استخوانی در سواحل ایرانی دریای خزر، فرصت‌ها و نیازها»، *مجله شیلات ایران*، سال ۱۸، شماره ۲، صص: ۱۰۵-۱۱۸.
- فلیک، اووه، (۱۳۸۷). *درآمدی بر پژوهش کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی
- قربان‌زاده، رجبعلی و نظری، سلطان (۱۳۹۲). *سالنامه آماری سازمان شیلات ایران ۱۳۹۱-۱۳۸۱*، تهران: سازمان شیلات ایران.
- موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۱) *مطالعه صید و صیادی در بندر انزلی*، تهران: موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران.
- Acheson, James M (1981), "Anthropology of Fishing", *Annual Review of Anthropology* 10: 275-316.
- Blaikie, Norman. (2010) *Designing Social Research*, 2nd Edition, Cambridge: Polity.
- Ginkel, Rob V (2007), *Coastal Cultures: An Anthropology of Fishing and Whaling Traditions*, Apeldoorn/Antwerpen: Spinhuis Publishers..
- Kelty, Ruth & R. Kelty (2011), "Human Dimensions of a Fishery at a Crossroads: Resource Valuation, Identity, and Way of Life in a Seasonal Fishing Community", *Society & Natural Resources: An International Journal* 24(4): 334-348.
- Knuston, Peter (1991), "Measuring Ourselves: Adaption and Anxiety Aboard a Fishing Vessel", *Maritime Anthropological Studies* 4(1):73-90.
- Kottak, Conrad P (1999), "New Ecological Anthropology", *American Anthropological Association* 101(1): 24-35.
- Lazrus, Heather (2012), "Sea Change: Island Communities and Climate Change", *Annual Review of Anthropology* 41:285-301.
- McGoodwin, James R (1990), *Crisis in the World's Fisheries: People, Problems and Policies*, California: Stanford University Press.
- McGurie, Thomas R (1991), "Science and the Destruction of a Shrimp Fleet", *Maritime Anthropological Studies* 4(1): 32-55.
- Orlove, Benjamin S (1980), "Ecological Anthropology", *Annual Review of Anthropology* 9: 235-273.
- Palmer, Craig T (1991), "The Life and Death of Small-Scale Fishery: Surf Clam Dredging in Southern Maine", *Maritime Anthropological Studies* 4(1): 56-72.
- Shannon, Sarah E & H. Hsieh (2005), "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research* 15(9): 1277-1288.

